

تحلیل آماری مطبوعات ایران از عصر مظفرالدین شاه تا سقوط قاجار^۱ (۱۳۴۳ - ۱۳۱۳ هـ . ق)

سیاوش شوهانی*

از جمله گزینه‌هایی که عباس میرزا - ولیعهد فتحعلیشاه - می‌توانست در پاسخ به پرسش خود از ژوبر - نماینده ناپلئون - درخصوص انحطاط ایران زمین در برابر غرب ارائه دهد^۲ دریافت مظاهر جدید تمدنی به شیوه محصل آن، یعنی آنچه در غرب به وقوع پیوسته بود می‌باشد. این پاسخ و امکان منجر به کوشش در جهت درانداختن طرح نو گردید که وجوه آن را می‌توان در اصلاحات عباس میرزا دنبال کرد: اعزام میرزا صالح شیرازی و میرزا جعفرخان مشیرالدوله تبریزی به عنوان نخستین کاروان کسب دانش نوین در سال ۱۲۸۸ هـ. ق/ ۱۸۱۱ م به اروپا در این راستا صورت گرفت. تأسیس یک چاپخانه در سال ۱۲۳۵ هـ. ق/ ۱۸۱۹ م و انتشار نخستین روزنامه فارسی در تهران در سال ۱۲۵۳ هـ. ق/ ۱۸۳۶ م به دست یکی از محصلان اعزامی یعنی میرزا صالح شیرازی از نخستین دستاوردهای این کوشش قلمداد می‌شود.

از این سال (۱۲۵۳ هـ. ق) همواره در تاریخ مطبوعات به عنوان نقطه عطفی در عظمت‌گاه ایران در برخوردارگی از پدیده‌ای به نام «روزنامه» یاد شده است.^۳

موضوع مقاله پیش رو نه بررسی شکل‌گیری و روند جراید و مطبوعات در ایران - که کمابیش به آن پرداخته شده است - بلکه تحلیل آماری ویژگی‌های جراید منتشر شده در ایران عصر مظفری (۱۳۲۴-۱۳۲۴ هـ. ق) و مقایسه آن با سالهای سلطنت محمدعلی شاه و احمد شاه (۱۳۴۴-۱۳۲۴ هـ. ق) می‌باشد. آنچه تاکنون صاحب‌نظران و محققان تاریخ مطبوعات درباره ویژگی‌های جراید عرضه داشته‌اند عبارت بوده است از دوره‌بندی جراید موازی با دوره‌های سلطنتی شاهان قاجار - از ناصرالدین شاه به بعد - و در نظر گرفتن عملکرد این جراید به عنوان تابعی از ویژگی‌های شخصی و رفتار شاه زمانه. به نظر می‌رسد تاکنون

پژوهشگران این حوزه، میزان نشر، آزادی مطبوعات و دیگر ویژگیهای جراید را به امری روانشناختی و فردی تقلیل داده‌اند. در مقاله پیش رو، سه پرسش آغازین مطرح شد و فرضیات با داده‌های موجود حاصل از نتایج کار محققان مزبور در نظر گرفته شده است. روش محک این فرضیات تحلیل آماری خواهد بود که به رد یا اثبات آن دسته از نظراتی می‌پردازد که با نگاهی به کارکردهای حکومت، مطبوعات را مورد بررسی قرار داده‌اند.

سؤالات پژوهش:

۱. روند تولید نشریات در عصر مظفری به چه شکل بود و چه ویژگیهایی داشت؟
۲. روند مزبور چه تفاوتی با روند تولید مطبوعات بعد از جنبش مشروطه - تا سقوط قاجار - دارد؟
۳. تفاوت مزبور از چه مؤلفه‌هایی ناشی می‌شود؟

فرضیات پژوهش:

۱. تولید نشریات در عصر مظفری همزمان با نزدیک شدن به جنبش مشروطه سیر صعودی داشت و روند مزبور بر شکل‌گیری مشروطه مؤثر بود.

۲. در دوره محمدعلی شاه این روند سیر نزولی یافت، یعنی میزان تولید جراید پس از مرگ مظفرالدین شاه کاهش می‌یابد، این وضعیت بعد از گذر از استبداد صغیر تا قدرت گرفتن رضاخان (در حدود سال ۱۳۰۰ هـ. ش) وضعیت مساعدتری دارد و در دوره اقتدار رضاخان مجدداً از میزان تولید جراید کاسته می‌شود.

۳. این روند تابعی از سیاست‌های استبدادی شاه وقت - محمدعلی شاه و در اواخر قاجار، قدرت مطلقه رضاخان - است.

نگارنده بر آن است، به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش و سنجش درستی یا نادرستی فرضیات مزبور از طریق استخراج آمار جراید دوره مورد بحث تحلیلی منطقی از ویژگیهای کمی و کیفی جراید، به دست دهد، اما این مهم به دلیل اختلاف‌های فاحش در آثاری^۱ که فهرستی از تولید جراید عصر قاجار ارائه داده‌اند، دشوار می‌نماید. در آثار مزبور اطلاعاتی درباره برخی مطبوعات و جراید محلی و یا جرایدی که تنها چند شماره چاپ شده‌اند (به دلیل در دسترس نبودن آنها) وجود ندارد. نگارنده در به دست آوردن فهرستی مشترک نیز به نتیجه قطعی نرسید و به نظر، ارائه هر نوع فهرست جدید به عنوان فهرستی کامل و جامع چیزی از اختلاف گفته شده کم نخواهد کرد. بنابراین سعی بر آن شد که از حداکثر فراوانی به دست آمده از پژوهش‌های موجود بهره‌مند شده و در اختلافات مورد نظر - به ویژه در مورد زمان حیات جراید - به اصل جراید رجوع شود. هرچند به سبب فقدان شماره‌های پایانی برخی از آنها نمی‌توان در این مورد نیز نظر قطعی داد. به دلیل مشکلات فوق به اجبار در تمامی آمارهای ارائه داده شده زمان تولد این جراید - و نه طول حیات آنها - مد نظر واقع گردید، برای نمونه اگر جریدهای در سال ۱۳۱۱ متولد شد و در عصر مظفری هم ادامه حیات داد، در آمار محاسبه نشد، چرا که بر طبق مطالب پیش گفته، زمان دقیق پایان نشر

این جراید نامعلوم است و از دیگر سو مسئله اساسی پژوهش حاضر فراوانی تولید این جراید در هر سال و نسبت آن با شرایط موجود است که با توجه به زمان تولد جراید قابل پیگیری است.

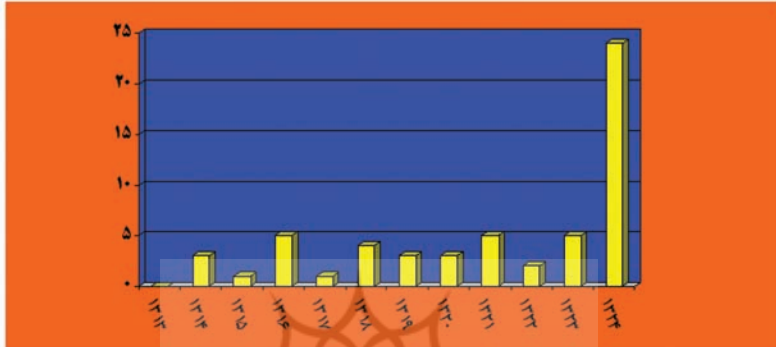
چنان که تاکنون بیان شده از ویژگی‌های برجسته جراید در عصر مظفرالدین شاه افزایش چشمگیر جراید فارسی خارج از کشور نسبت به جراید داخلی است. در سالهای منتهی به مشروطه در برابر هر جریده داخلی ۶ جریده در خارج از کشور وجود داشت که به ایران ارسال می‌گردید.^۵ از آنجا که محتوای این جراید در راستای نقد حکومت و صدراعظم وقت، علی اصغر اتابک (امین السلطان) بود، منجر به منع ورود جرایدی چون حبل المتین و آزاد چاپ کلکته و ثریا چاپ مصر به ایران شد. این سه نشریه مقالات تندى علیه اتابک می‌نوشتند و مردم را علیه وی تحریک می‌کردند.^۶ فشار بر مطبوعات در زمان صدارت عین‌الدوله نیز افزایش یافت: دستگیری میرزا علی آقا شیرازی مدیر جریده مظفری - چاپ بوشهر - و مجدالاسلام کرمانی مدیر جراید ندای وطن و کسکول - چاپ تهران - از این نمونه است. اقدامات عین‌الدوله به قدری سخت‌گیرانه بود که برای مدتی تقریباً روزنامه خواندن جرم سیاسی به شمار می‌رفت.^۷ این فشارها منجر به زیرزمینی شدن جراید و انتشار شب‌نامه‌ها گردید که سلاح تبلیغاتی انقلابیون بود، اما در همین دوره که فشار دستگاه حاکم بر مطبوعات برای مقابله با چاپ مطالب ضد استبدادی افزایش می‌یافت، کارکردی ضد استبدادی در پیش می‌گرفتند. این کارکرد در پیوند عمیق با انجمن‌های مخفی معنا می‌یافت، بدین ترتیب که از یک سو در آگاهی بخشی به انجمن‌ها نقش داشتند به طوری که خواندن روزنامه‌های ممنوعه داخل و خارج از کشور از اولویت‌های هر انجمن بود، از دیگر سو اعضاء این انجمن‌ها خود روزنامه نگار بودند به طوری که ۲۰ نفر از ۵۴ عضو انجمن سرّی روزنامه‌نگار و ما بقی تجار و روحانی بودند.^۸

در عصر مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۲۴ ه. ق) در مجموع ۵۶ جریده متولد شد. در نمودار شماره «۱» فراوانی نشر در هر سال مشاهده می‌شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار شماره ۱

فراوانی جراید در عصر مظفرالدین شاه (۱۳۲۴-۱۳۱۳)

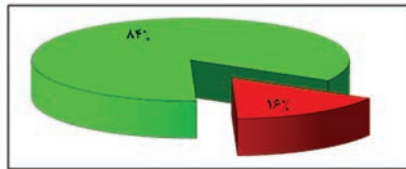


چنانکه ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۲۴ افزایش چشمگیری در میزان تولید نشریات صورت گرفته است: میانگین انتشار جراید در این دوره در هر سال ۴/۶ عنوان است که در سال پایانی سلطنت مظفرالدین شاه^۹ (۱۳۲۴ ه.ق) و همزمان با آغاز جنبش مشروطه‌خواهی بیش از ۵ برابر رشد را نشان می‌دهد. این مهم فرضیه نخست پژوهش حاضر - رشد صعودی انتشار جراید - را اثبات می‌کند، در پایان دلایل این رشد واکاری خواهد شد.

از ویژگی‌های دیگر جراید عصر مظفری ایجاد روزنامه‌های «آزاد» است، اما مراد از لفظ آزاد به معنای امروزی آن - یعنی برخوردار بودن جراید از حقوق ژورنالیستی در نقد وضع موجود - نیست، بلکه در مقایسه با عصر ناصری که قریب به اکثر جراید داخلی، دولتی بوده‌اند در عصر مظفری اکثر جراید، غیردولتی و اصطلاحاً «از قید رسمیت آزادند». نخستین روزنامه‌ای که حق نوشتن کلمه آزاد را در عنوان خود پیدا کرد روزنامه مجلس بود. ۱۰ در مجموع ۵۶ عنوان جریده این عصر ۴۲ عنوان که ۸۴ درصد را تشکیل می‌دهد، غیردولتی و آزاد هستند و ۹ عنوان که ۱۶٪ را تشکیل می‌دهند دولتی هستند:

نمودار شماره ۲

وابستگی جراید عصر مظفری به دولت



■ جراید دولتی
■ جراید غیر دولتی

اکثر جراید دولتی به اداره انطباعات وابسته بودند، بعد از محمدحسن صنیع‌الدوله که در عصر ناصرالدین شاه با لقب اعتمادالسلطنه به ریاست اداره منصوب شد و در عصر مظفری نیز ابقاء گردید تا زمان صدور فرمان مشروطه هرکس که این منصب را داشت، لقب اعتمادالسلطنه می‌گرفت و جریده‌ی تحت نظر وی رسمی و دولتی بود (برای نمونه جریده شرافت به مدیریت محمدباقر اعتمادالسلطنه). نکته شایان ذکر در مورد جراید آزاد (غیردولتی) به جرایدی بر می‌گردد که وابسته به مدارس یا انجمن خاص بوده‌اند (مانند جریده کمال)، این جراید نیز غیردولتی محسوب می‌شوند؛ چرا که در عین دولتی بودن مدارس، انگیزه و دغدغه مدیران این جراید از نشر آنها دولتی نبوده است. در واقع این جراید تربیون دولتی نیستند و بیشتر بولتن خبری مدارس بوده‌اند و جنبه علمی آنها حائز اهمیت است.

«روزنامه‌های عصر مظفری بیش از اسلاف خود به بازار و مدرسه و مکتب می‌پرداختند تا امور مربوط به دربار و دیوان و می‌کوشیدند با نوشته‌های خود رضای طبقه مدرسه دیده و کاسب و پیشه‌ور را به دست آورند... در داخله مملکت هم روزنامه‌ها غالباً با یکی از مکاتب جدید عهد مظفری اتصال و ارتباط داشتند، روزنامه‌های عدالت، الحدید، کمال تبریز و کوکب ذری، نوروز و مکتب، با مدرسه‌های جدید تبریز و طهران پیوستگی داشتند و مدیر روزنامه، ناظم یا مدیر دبستان بود. انجمن معارف که مراکز تشکیلات مشرف به امور مدارس نوبنیاد عصر مظفری بود، زبان حال علی حده‌ای داشت و غالب معلمان و مدیران این مدارس از نویسندگان معروف آن عصر بودند»^{۱۱}. همچنین نه تنها جراید این عصر بیشتر غیردولتی بودند بلکه «بیش از جراید عصر ناصری از آزادی گفتار و وسعت حوزه بحث برخوردار بودند، رقابت رجال درباری طراز اول؛ مانند امین السلطان، امین‌الدوله، مشیرالدوله، عین‌الدوله با همدیگر و کوشش برای کسب مقام و منصب و

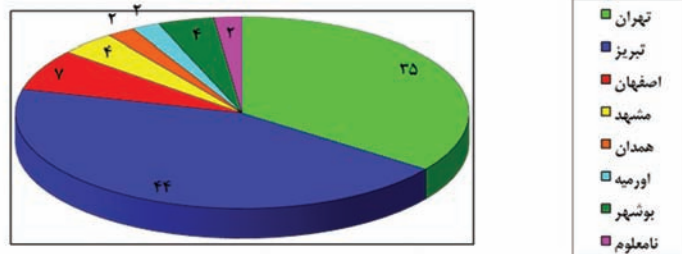
مزید ثروت و حوزه نفوذ [که] معمول می‌داشتند، به این وسعت حوزه بحث قلمی می‌افزود و چنین تصور می‌شد که اینان [رقیبان کسب قدرت]، علاوه بر استفاده از حوزه دربار برای مقابله با هم، اوراق مطبوعات عصر مظفری را هم جلوگاه این معارضة قرار داده بودند. بنابراین هروقت مقاله‌ای در انتقاد مسئول امری در یکی از روزنامه‌های داخلی یا خارجی انتشار می‌یافت چنان پنداشته می‌شد که محرک نشر آن مقاله طرف مخالف این مسئول امر [یعنی رقیب وی] است»^{۱۲}.

جراید عصر مظفری بیشتر به طور هفتگی منتشر می‌شدند، از میان ۵۶ جریده انتشار یافته در این عصر ۳۳ عنوان به طور هفتگی منتشر می‌شد، اما نکته‌ای مهم که در تاریخ مطبوعات باید از آن به عنوان یک تحول یاد کرد انتشار «روزنامه» به معنای دقیق کلمه یعنی جریده یومیه بود: خلاصه‌الحوادث از ۱۴ جمادی الاول ۱۳۱۶ تا ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۱ به مدت ۵ سال و در ۹۹۵ شماره به وسیله‌ی محمدباقر اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات منتشر شد.^{۱۳} روزنامه مجلس نیز از ۸ شوال ۱۳۲۴ روزانه منتشر می‌شد و بدین ترتیب بود که در عصر مظفری ۲ روزنامه یومیه متولد گردید.

از دیگر ویژگیهای جراید عصر مظفری که در خلال آمار به دست می‌آید غیر متمرکز بودن جراید است. در این دوره بیشترین فراوانی تولید جراید از آن شهر تبریز است که با ۲۵ عنوان جریده ۴۴٪ از کل جراید را به خود اختصاص داده است در برابر تهران با ۲۰ عنوان جریده ۳۵٪ از حجم تولیدی جراید را احراز کرده است. این مسئله اهمیت تبریز را در شکل‌گیری جنبش مشروطه‌خواهی به خوبی نشان می‌دهد. نکته دوم اینکه شهرهایی چون همدان، مشهد و بوشهر برای نخستین بار از روزنامه برخوردار شدند. این مسئله نیز اهمیت نقش آگاهی بخشی را در به ثمر نشستن جنبش مشروطه‌خواهی آشکار می‌سازد. در نمودار ذیل فراوانی پراکندگی جغرافیایی جراید در عصر مظفرالدین شاه مشاهده می‌گردد:

نمودار شماره ۳

پراکندگی جغرافیایی جراید در عصر مظفرالدین شاه



این جراید «مردم را به چند موضوع مهم که عبارت بود از تعلیم و تربیت، تمدن جدید، عدل و قانون، نظم و تربیت، عبرت از کار ژاپن، تذکر مفاخر قدیم، دعوت به اخوت اسلامی و معرفی سیاست روس و انگلیس در آسیا»^{۱۴} آشنا می کرد.

این جراید در پراکندگی موضوعی آن چنان که در نمودار ذیل مشاهده می شود بیشتر سیاسی و خبری بود (بیش از ۵۵٪) این استنتاج آماری در نتایج پژوهش حاضر امری مهم تلقی خواهد شد.

نمودار شماره ۴

پراکندگی موضوعی جراید در عصر مظفرالدین شاه

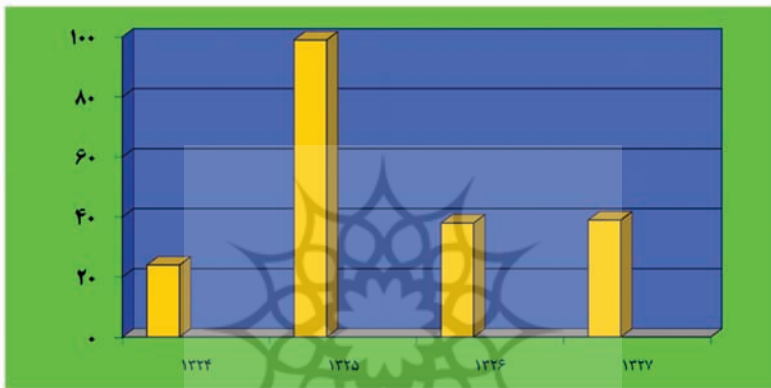


اما مهمترین بحث در این پژوهش مقایسه ویژگیهای جراید عصر مظفری با بعد از آن خواهد بود. گفته شد، سال ۱۲۵۳ هـ. ق به عنوان آغاز تاریخ مطبوعات قلمداد می گردد که با انتشار «کاغذ اخبار» توسط میرزا صالح شیرازی به وقوع پیوست. از این زمان طی ۹۱ سال یعنی از ۱۲۵۳ هـ. ق تا سقوط قاجار (۱۳۴۴ هـ. ق / ۱۳۰۴ هـ. ش) تقریباً ۹۶۷ جریده منتشر شد. بدین ترتیب به طور میانگین در هر سال ۱۰ جریده منتشر شده است اما از زمان انتشار کاغذ اخبار تا ۱۲۶۳ هـ. ق یعنی زمان انتشار «وقایع اتفاقیه» به دست امیرکبیر خبری از هیچ جریده دیگری نیست. همچنین چنان که گفته شد میانگین تولید جراید در عصر مظفری نیز در هر سال ۴/۶ عنوان جریده بوده است که در سال ۱۳۲۴ هـ. ق رشدی بیش از ۵ برابر را نشان می دهد، اما طی سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ یعنی در زمان سلطنت محمدعلی شاه اتفاقی بر خلاف معمول رخ می دهد و آن افزایش چشمگیر جراید در این عصر است. در طی این سه سال ۱۷۶ عنوان جریده متولد می شود که میانگین هر سال ۵۸/۶ عنوان جریده است و ۶ برابر از میانگین کل (از زمان پیدایش تا

سقوط قاجار) بیشتر است. فراوانی تولید نشریات در سال پایانی سلطنت مظفرالدین شاه و در دوره سلطنت محمدعلی شاه را مشاهده می‌کنید:

نمودار شماره ۵:

فراوانی جراید در سال آخر سلطنت مظفرالدین شاه و دوره سلطنت محمد علی شاه



این نتیجه فرضیه دوم پژوهش حاضر - یعنی نزول نشریات در دوره سلطنت محمدعلی شاه - را رد می‌کند در واقع عملی درست بر خلاف آن فرضیه رخ داده است و در دوره مورد بحث این سیر افزایش می‌یابد. اما تاکنون با نقطه عطف قرارداد آمد و شد شاهان قاجار تولید جراید را تابعی از آن دانسته و تحلیل شده است: «قلمها شکسته و زبانها از کام کشیده شده، آزادی قانونی مطبوعات - این طفل مشروطیت - از گهواره به گور رفت و سلطنت غیرقانونی محمدعلیشاه آغاز گردید...»^{۱۵} نکته حائز اهمیت در اینجا این پرسش است که چرا مطبوعات از سال ۱۳۲۴ رشد چشمگیری (از میانگین ۴/۶ در ۱۰ سال قبل از خود به ۲۴ عنوان) داشته است؟ چرا در سال بعد (۱۳۲۵ هـ. ق) همزمان با سلطنت محمدعلی شاه به ۹۹ عنوان می‌رسد؟ و حتی در مدتی که به استبداد صغیر معروف است - از واقعه یوم‌التوب (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶) تا پناهندگی محمدعلی شاه به سفارت روس (۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۷ هـ. ق) - جراید همچنان از فراوانی قابل توجهی از تولید برخوردار است؟

نخستین رویکردی که می‌توان در قبال این پرسش داشت - چنانکه اشاره شد - رویکرد معمول و موجود در تاریخ مطبوعات است (فرضیه شماره ۳) یعنی آن که ویژگیهای جراید هر عصر را به عنوان متغیر وابسته‌ای از اخلاق سیاسی شاه قلمداد و تابع آن قرار دهیم. این رویکرد حتی افزایش جراید در

سال ۱۳۲۵ هـ. ق را نیز به شاه زمانه (محمدعلی شاه) نسبت می‌دهد و این نتیجه به دست می‌آید که محمدعلی شاه برخلاف آنچه تاکنون درباره‌اش گفته‌اند چندان هم مستبد نبود! اما واقع این است در همان سالی که جرایدی چون صوراسرافیل و حبل‌المتین توقیف می‌شود^{۱۶} همزمان افزایش چشمگیری در رشد تولید جراید را نیز شاهدیم (۱۳۲۵ هـ. ق) بنابراین باید پرسید علت این تناقض در رفتار سیاسی شاه و کارکرد مطبوعات چیست؟

برای پاسخ به این پرسش نگارنده مفهوم آنومی (Anomie) را از جامعه‌شناسی دورکیمی^{۱۷} به عاریت گرفته و به مدد آن به تبیین مسئله مطرح شده می‌پردازد. آنومی یا بی‌هنجاری به طور محض «به شرایطی گفته می‌شود که در آن جامعه نتواند راهنماهای اخلاقی کافی را برای هدایت افراد فراهم آورد.»^{۱۸} به عبارت دیگر «نا به سامانی [بی‌هنجاری] وضعیتی اجتماعی است که صفت مشخص کننده آن را از هم پاشیدگی میزان‌های حاکم بر تعاملات اجتماعی تشکیل می‌دهند. نا به سامانی فرایافتی است که شکاف موجود بین توضیحات عمل اجتماعی در سطح فردی را با توضیحاتی که در سطح ساختار اجتماعی انجام می‌گیرد، توضیح می‌دهد.»^{۱۹} در واقع آنومی وضعیتی است که در آن هنجارهای معمول اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار فرد و یا رفتار جمعی از دست داده و در این وضعیت نخست آن که هنجارهای پذیرفته شده پاسخگو نیستند و دوم آن که هنجارهای جدید هم رسمیت نمی‌یابند و می‌توان از آن به عنوان دورهٔ فترت یا گذر نیز یاد کرد.

در دورهٔ مورد بحث (۲۷-۱۳۲۴ هـ. ق) اگر برخلاف نظر معمول در تاریخ مطبوعات، پایان حکومت مظفرالدین شاه و روی کار آمدن محمدعلی شاه را به عنوان نقطهٔ عطف در تاریخ مطبوعات قرار ندهیم بلکه مشروطه را به عنوان گفتاری جدی - که در هنجارهای موجود شکاف ایجاد کرده و منجر به ایجاد شرایط آنومی می‌شود - قلمداد کنیم آن گاه می‌توان با مقدمات ذیل وضعیت یاد شده را تبیین نماییم:

۱) مشروطه موجب شد از شاه سلب قدرت و اعتبار شود و فلج شدن قدرت سیاسی مطلقه، مکانیزم‌های سیطرهٔ مطلقه را از بین می‌برد.

۲) مشروطه به عنوان اثر انعکاسی از تجدد اروپائی، آگاهی جدیدی ایجاد می‌کند که به طور فزاینده‌ای این آگاهی رو به افزایش است.

۳) آگاهی مزبور باعث سیاسی شدن جامعه می‌گردد که این خود خواسته‌های جدیدی را پدید می‌آورد و یکی از این‌ها، درخواست مطبوعات بیشتر است. از آنجا که مکانیزم‌های کنترل در حکومت مطلقه فلج شده است، این افزایش در فراوانی جراید به طور چشمگیری - در سالهای بعدی - پدیدار می‌گردد.

به این ترتیب باید گفت همواره دو متغیر خفقان سیاسی و میزان تولید جراید رابطهٔ عکس با یکدیگر ندارند. بدین معنا که وقتی فشار سیاسی حاکمه افزایش یافت میزان تولید جراید کاهش بیابد و بالعکس. در شرایطی که از آن سخن گفتیم (شبه استبداد محمدعلی شاه)، فشار و خفقان سیاسی از سوی حاکمیت اعمال می‌شود اما در عین حال افزایش چشمگیری در نشر جراید شاهد هستیم. این امر نه در آزادی سیاسی بلکه در سیاسی شدن جامعه و خواسته‌های نو پیدای افراد و گروه‌های اجتماعی

از یکسو و نیز فلج شدن مکانیزم‌های قدرت مطلقه از دیگر سو ریشه دارد.

در چنین شرایطی «کسانی که بیشتر غم مشروطه نوبنیاد را می‌خورند، لبه تیغ انتقاد و تعرض خود را به سوی محمدعلی شاه متوجه می‌ساختند و کار را از نقد و عرض امور سیاسی و اجتماعی گذرانده او را هدف تعرض و دشنام قرار می‌دادند.»^{۲۰}

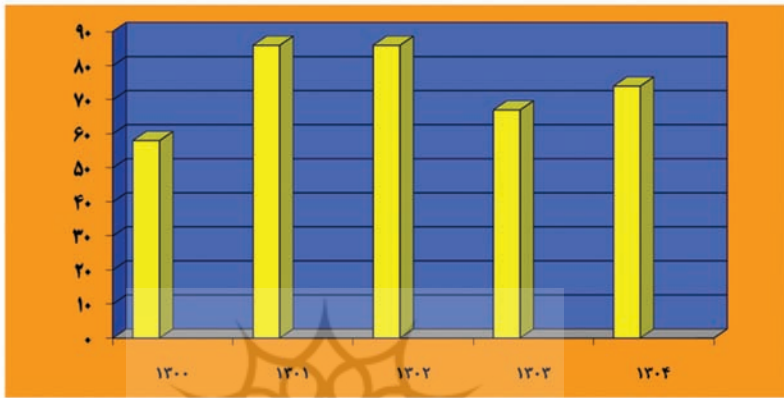
از مصادیق این آنومی، می‌توان از رفتار شاه و دربار در برابر مخالفان یاد کرد، وی «سعی خود را در جلب برخی مدیران جراید به کار می‌برد و آنان را به مخالفت با جراید تندرو وادار می‌کرد و یا آن که در نهان بعضی را تشویق می‌کرد تا با نشر موضوعات محرکی در صورت طرفداری از آزادی و قانون تولید هرج و مرج تازه بکنند و زمینه شکایت به دست دربار و دولت بدهند ... وقتی محمدعلیشاه مجلس را به توپ می‌بست و می‌کشت و تبعید و توقیف می‌کرد امیدوار بود بتواند از افراد هواخواهی که در صف وکلای مجلس و انجمن‌ها و روزنامه‌نگاران داشت، جبهه‌ای بسازد و مجلسی موافق سلیقه و مصلحت خود بسازد و بدون تعطیلی اسمی اساس مشروطیت، جامه‌ای مشروطه نما بر پیکر استبداد کهن دربار بپوشاند ...»^{۲۱}

در چنین شرایطی است که حتی شاه هم نمی‌تواند در چارچوب هنجارهای گذشته (عهد ناصری) عمل کند و برای مقابله با مخالفان مجبور است زبان دیگری یعنی زبان مخالفان را بیازماید. این مسئله «مؤید موضوعی است که درباره شیوه پندار و رفتار محمدعلی شاه درباره مشروطه گفته شده است: محمدعلی شاه نمی‌خواست استبداد ناصری [را] برگرداند و می‌دانست که این امر میسر نخواهد شد، ولی چنین آرزو داشت و می‌پنداشت که می‌تواند استبداد و خودکامگی را زیر لباس مشروطه موافق دلخواه خود بپوشاند»^{۲۲}.

نکته قابل توجه در تأیید مطالب پیش گفته این است که بعد از برچیدن سلطنت استبداد صغیر برخلاف انتظار، جراید کاهش چشمگیری دارد و میزان تولید جراید در هر سال به کمتر از حد میانگین تنزل می‌یابد، این نکته از سوی دیگر، فرضیه دوم را رد می‌کند. برای فهم شرایط ناهنجاری بعد از مشروطه - همزمان با آخرین سال سلطنت مظفردلی شاه و سلطنت محمد علی شاه - می‌توان آن را با شرایط مشابه در سالهای منتهی به سقوط قاجار مقایسه کرد، چنین شرایط نا به سامانی مجدد در ۵ سال آخر سلطنت قاجارها (۱۳۴۴ - ۱۳۴۰ هـ. ق / ۱۳۰۴-۱۳۰۰ هـ. ش) تکرار شده و نتایج خود را در تولید جراید بروز می‌دهد. اشاره شد که از سال ۱۳۲۹ به بعد مجدد در روند تولید جراید کاهش عمیقی به وقوع می‌پیوندد، اما چنانکه مشاهده می‌گردد این روند ثابت، یکباره متحول می‌شود:

نمودار شماره ۶

فراوانی جراید در ۵ سال پایانی عصر قاجار (۱۳۰۴-۱۳۰۰ ه.ش)



در این سالها که با روند قدرت گرفتن رضاخان و استبداد پنهان او همزمان است، طی ۵ سال ۳۷۱ عنوان جریده منتشر می‌شود، یعنی به طور میانگین در هر سال ۷۴/۲ عنوان جریده انتشار یافته است. نتیجه: بر خلاف آنچه تاکنون تصور می‌شد **میزان انتشار و تولید مطبوعات تابعی از رفتار سیاسی شاه مطلقه نیست**، بلکه این هر دو نتایج شرایط دیگری قلمداد می‌گردد که از آن به بی‌هنجاری یاد شد.

گفته شد که از سال ۱۲۵۳ ه. ق (تولید نخستین جریده) تا ۱۳۴۴ ه. ق (سقوط قاجار) طی ۹۱ سال ۹۶۷ عنوان جریده متولد شد، اما تنها در طی سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ و ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ ه. ق - سالهایی که شرایط بی‌هنجاری در آن حاکم است - ۵۷۱ عنوان جریده منتشر شد، یعنی قریب به ۶۰ درصد از کل جرایدی که از آغاز تا سقوط قاجار انتشار یافت در سالهای بی‌هنجاری و تنها طی ۹ سال و همزمان با حاکمیت استبداد منتشر گردید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مقاله برگرفته از یک سخنرانی با عنوان «بررسی آماری مطبوعات ایران در آستانه جنبش مشروطه» است که در نشست «تأثیر مطبوعات بر انقلاب مشروطه» در بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران مورخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۷ نگارنده ارائه داده و با بازنگری مجدد منتشر می‌گردد.
۲. برای آگاهی از پرسش عباس میرزا از ژویر رجوع کنید به:
طباطبائی، سید جواد؛ مکتب و مبانی تجدد خواهی، تبریز؛ ستوده، چ دوم؛ ۱۳۸۶، ص ۱۳۴-۱۳۳.
۳. صدر هاشمی، محمد؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج اول، اصفهان؛ انتشارات کمال، چ دوم؛ ۱۳۶۳، ص ۲.
۴. این آمار از طریق آثار ذیل به دست آمده است:
- صدر هاشمی (۱۳۶۳)، ج ۴.
- قاسمی، فرید؛ راهنمای مطبوعات ایران، تهران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، ۱۳۷۲.
- رابینو، ه. ل؛ روزنامه‌های ایران، ترجمه جعفر خمرازاده، تهران؛ اطلاعات، چ ۲؛ ۱۳۸۰.
- جمعی از مؤلفان؛ مطبوعات ایران (فهرست تحلیلی کتابخانه مجلس سنا)، تهران؛ بی‌نا، ۱۳۵۸.
- ماجد، صفری؛ مطبوعات ایران، تهران؛ رویداد، ۱۳۸۱.
- برزین، مسعود؛ شناسنامه مطبوعات ایران (۱۳۵۷-۱۲۱۵)، تهران؛ بهجت، ۱۳۷۱.
۵. ذاکرالحسین، عبدالرحیم؛ مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران؛ دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۶.
۶. همان، ص ۴۷-۴۶.
۷. همان و نیز: صدر هاشمی (۱۳۶۳)، ص ۱۴-۱۳.
۸. ذاکر الحسین (۱۳۶۸)، ص ۴۹.
۹. مظفرالدین شاه در ۲۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ و ده روز پس از امضاء قانون اساسی بدرود حیات گفت. بنابراین از این سال تنها یک ماه به سلطنت محمدعلی شاه اختصاص دارد. رک. شمیم، علی اصغر؛ ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران؛ زریاب، چ دوم؛ ۱۳۸۳، ص ۸۵-۴۸۴.
۱۰. صدر هاشمی (۱۳۶۳)، ص ۶ و ۹.
۱۱. محیط طباطبائی، محمد؛ تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران؛ بهجت ۱۳۷۵، ص ۸۹.
۱۲. همان، ص ۸۹-۸۸.
۱۳. همان، ص ۹۴ و نیز ذاکر حسین (۱۳۸۶)، ص ۸.
۱۴. محیط طباطبائی (۱۳۷۵)، ص ۹۴-۹۳.
۱۵. ذاکر الحسین (۱۳۶۸)، ص ۷۲. گرچه این سخن برای ارائه بحث استبداد صغیر بیان شده است، در همان چارچوب فرض گفته شده یعنی قرار دادن جراید به عنوان تابعی از نظام سلطنت و رفتار سیاسی شاه می‌گنجد.
۱۶. برای اطلاع از جرایدی که در این زمان توقیف شدند رک: محیط طباطبائی (۱۳۲۵)، ص ۱۴۷-۱۴۹.
۱۷. گرچه دورکیم آتومی را در سطحی فردی و برای تبیین عمل خودکشی به کار بست، این مفهوم در معنای گسترده آن بسط یافت و به تبیین شکاف بین عمل اجتماعی و ساختار اجتماعی پرداخت.
۱۸. عضدانلو، حمید؛ آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران؛ نی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰-۱۳۹.
۱۹. نیکلاس آبرگرامبی، استفن هیل، برایان. اس. ترنز؛ فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران؛ چاپخش، ۱۳۶۷، ص ۳۵-۳۴.
۲۰. محیط طباطبائی (۱۳۷۵)، ص ۱۱۴.
۲۱. همان ص ۱۱۷-۱۱۶.
۲۲. همان، ص ۱۱۸.